



# فرهنگ تئاتر

## (۱)

آرش مهرداد

واژه‌نامه زیر ترجمه‌ای است از کتاب فشرده مرجع تئاتر از انتشارات دانشکده آکسفورد

The Concise Oxford Companion to the Theatre ویراسته فیلیس هارتنول (چاپ ۱۹۹۱) که فقط از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۱ هشت بار تجدید چاپ شده است و فشرده‌ای است از کتاب

The Oxford Companion to the Theatre عظیم که البته روزآمد شده و تازه‌ترین اطلاعات به آن افزوده شده است. این کتاب همان‌طور که ویراستار آن در مقدمه نیز ذکر کرده، صرفاً حاوی چکیده‌ای از اطلاعات کتاب بزرگ‌تر نیست، بلکه اطلاعات به‌نحوی موجز و در عین حال جامع، در آن عرضه شده است.

ترجمه نام نمایشنامه‌ها، همتای ترجمه نام فیلم، معضل بزرگی است که تنها راه حل آن گشتن و گشتنهای بسیار در کتابها و مراجع مختلف است، اما در مواردی دسترسی به منابع چاره‌ساز امکانپذیر نبوده و در آن موارد، نامها عیناً به همان صورت اصلی ضبط شده است. فقر کتابهای مرجع تئاتری سنگ بزرگی است که باید ذره‌ذره از پیش پا برداشته شود و امید می‌رود که ترجمه این کتاب بتواند گام اولی در چنین مسیری باشد و محققان و صاحب‌نظران با رفع کاستیهای آن، راه را برای چاپ یک کتاب مرجع اساسی در زمینه تئاتر هموار کنند.

آ = در فرهنگ آمده است  
→ = نگاه کنید به

آبی، هنری یوجین (۱۸۴۶-۱۸۹۶)

Abbey, Henry Eugene

مدیر آمریکایی تئاتر، یکی از اولین کسانی که به عرصه نمایشنامه و اپراهای خوب در خارج از محدوده شهر نیویورک میبادرت کرد (البسته او در سال ۱۸۷۷ تماشاخانه‌ای در نیویورک داشت) و بازیگران سرشناس اروپایی، از جمله سارابرنارد (آ)



و کاکلین (آ) را در برنامه‌های خود شرکت داد. در برنامه افتتاحیه آن در سال ۱۸۹۲ ایروینک (آ) و الزتری (آ) حضور داشتند (نیز: تئاتر نیکوباکو).

### تئاتر آبی Abbey Theatre

تماشاخانه مشهوری در دابلین که دوشیزه هورنیم (آ) آن را تأسیس کرد تا محل تشکیل جلسات جامعه هنرهای نمایشی ملی ایرلند باشد که هدفش این بود که به رهبری ف. ج. و. ج. فی (آ) بازیگران ایرلندی انگلیسی‌زبان را برای اجرای نمایشنامه‌های جدید جنبش ادبی ایرلند تربیت کند. این تماشاخانه در ۲۷ دسامبر ۱۹۰۴ و با به صحنه بردن نمایشهای on Baile's strand اثر و. پ. بیتس، و پراکندن خبرلیدی گرگوری (آ) افتتاح شد. از اعضای انجمن باید به آرتسینکلر (آ) و سراآنگود (آ) اشاره کرد که در توسعه آتی این تئاتر نقش مهمی داشتند. از مهم‌ترین نمایشنامه‌هایی که در سالهای اول شکل‌گیری این تئاتر به صحنه رفت باید از نمایشنامه‌های ج. ام. سینگ (آ) که مرد زنیاره دنیای غرب او در اولین شب نمایشش (۲۶ ژانویه ۱۹۰۷) غوغایی به پا کرد و کار به بلوا کشید و نمایشنامه‌های برناردشو (آ) یاد کرد. دوشیزه هورنیم در سال ۱۹۱۰ پای خود را کنار کشید و تئاتر آبی را به بازیگرانش واگذار کرد و یک سال بعد لیناکس رابینسن (آ) مدیر تئاتر شد و این مقام را تا مرگش به سال ۱۹۵۸ حفظ کرد. تحت رهبری او بود که گروه «بازیگران آبی» به سال ۱۹۱۲ برای اولین بار به آمریکا رفتند و به اجرای برنامه پرداختند و جالب اینجاست که نمایش مرد زنیاره دنیای غرب در آنجا هم در دست‌آفرین شد. سفرهای بعدی گروه به آمریکا موفقیت بیشتری به ارمغان آورد و هم در آمریکا و هم در لندن، بازی گروهی بازیگران سخت مورد ستایش قرار گرفت.

ناآرامیهای داخلی دابلین در سال ۱۹۱۶ مدتی حیات آن را به دردمس انداخت، اما تئاتر آبی این مشکلات را پشت سر گذاشت و اولین آثارشان اوکیسی در آنجا اجرا شد. اگرچه تئاتر آبی در مسیری که بنیانگذاران آن پیش بینی کرده بودند توسعه نیافت، و در سالهای آخر عمر خود بیشتر به نمایشهای رالیستی تمایل داشت تا شاعرانه، اما همواره به خاطر ارائه بازیهای دیدنی شهرت خوبی داشت و به تدریج عرصه برنامه‌های خود را گسترده‌تر کرد و نمایشنامه‌هایی از کشورهای مختلف جهان در آنجا به صحنه رفت. تئاتر آبی در سال ۱۹۲۴ از حکومت تازه تأسیس ایرلند جنوبی کمک مالی دریافت کرد و به این ترتیب اولین تئاتر در سراسر کشورهای انگلیسی‌زبان شد که کمک خرجی دولتی می‌گرفت، اما تا دهه ۱۹۴۰ کماکان نمایشهای به زبان انگلیسی در آن اجرا می‌شد و در همین سالها بود که به تدریج به زبان گالی هم در آن نمایشهایی اجرا شد. در شب ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۵۱ تئاتر آبی همراه با تئاتر دیگری که در جوار آن قرار داشت و به تماشاخانه پیکاک مشهور بود (افتتاح در سال ۱۹۲۵) دستخوش حریق شد و ویران گشت. گروه تئاتری آبی به تئاتر کوئینز (رک. دابلین) کوچ کردند و تا احداث سالن تازه‌ای، در آنجا به اجرای برنامه پرداختند. گروه در سال ۱۹۶۴ به لندن سفر کرد تا نمایشنامه ژونو و پلاوس و خیش و ستارگان از اوکیسی را طی فصل جهانی تئاتر به روی صحنه ببرند. ساختمان جدید تئاتر آبی در ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۶ با برنامه‌ای که با همکاری عده زیادی از دست‌اندرکاران نمایش تهیه شده بود و عنوان سالهای گذشته را به خاطر آور را داشت افتتاح شد و یک سال بعد «پیکاک تیاتر» در زیرزمین آن، با اجرای یک نمایشنامه کم‌دی به زبان گالی کار خود را شروع کرد. گروه تئاتری آبی در سال

۱۹۶۸ بار دیگر در فصل جهانی تئاتر شرکت کرد و در آنجا نمایشنامه The shaughraum اثر بوسیکو (آ) را به کارگردانی هیوهانت (آ) به صحنه برد. Abbot of Misrule, of Unreason Feast of Foots

### آبت، جورج (Abbott, George - ۱۸۷۷)

بازیگر انگلیسی که ویلیام هزلیت، منتقد نامدار تئاتر درباره او نوشته است، «بازیگری که هیچوقت بد بازی نمی‌کند». او ابتدا به سال ۱۸۰۶ در تئاتر بت Bath و سپس به سال ۱۸۱۲ در تئاتر کاونت‌گارون بازی کرد که در آنجا در نمایشنامه the Distrest mother اثر امبروز فیلیپس ظاهر شد. او در ضمن در سال ۱۸۲۰ در نمایش Virginus نوشته شریدان ناولز در نقش آپوس کلودیوس بازی کرد. او بعدها به آمریکا رفت، اما در آنجا کامیاب نبود و در عین تنگدستی درگذشت.

### آبل، کیلد (Abell, Kield ۱۹۰۱-۱۹۶۱)

هنرمند و نمایشنامه‌نویس دانمارکی که در لندن و به سال ۱۹۳۱ طراحی صحنه می‌کرد. ملودی‌یسی که کم شد اولین نمایشنامه او بود که به سال ۱۹۳۵ در کپنهاگ و یک سال بعد از آن، در لندن اجرا شد. هیچ‌یک از دیگر آثار او در لندن به روی صحنه نرفته، اما دو نمایشنامه او، یکی آناسوفیا هدیوک (۱۹۳۹) و دیگری پیشرفت ملکه (۱۹۴۲) در اعتراض به تجدید آزادی در دانمارک در زمان اشغال این کشور از سوی نازیها به صورت کتاب در انگلستان انتشار یافتند.

### آبینگتن، فنی (Abbington, Fanny)

نام خانوادگی خود او فنی بارتسن

(۱۷۳۷-۱۸۱۵)، بازیگر انگلیسی و همسر یک استاد موسیقی بود، که ازدواج آن دو دیری نپائید. اولین نمایشی که در آن بازی کرد فضول نوشته خانم سنتلیور در تماشاخانه هی مارکت به سال ۱۷۵۵ بود. به توصیه سمیوئل فوت (آ) برای عضویت در تئاتر دروری لین نامزد شد، اما خود را تحت الشعاع کیتی کلایو و خانم پریچارد (آ) دید. در نتیجه لندن را به قصد دابلین ترک کرد و پنجسال در آنجا اقامت گزید و به دعوت و اصرار گاریک (آ) به دروری لین بازگشت، گاریک از او راضی نبود، اما او را بازیگر هنرمندی نامید. ظرف هیجده سالی که او در دروری لین بود، در نقشهای مهم مختلفی ظاهر شد و از جمله در نمایشنامه آموزشگاه رسوایی (۱۷۷۷) نوشته شریدان در نقش لیدی تیزل بازی کرد. بازی او در نقش دوشیزه پرو در نمایشنامه عشق به خاطر نوشته کانگریو بسیار تحسین برانگیز بود، تا آنجا که رینولدز، تابلویی از او در این نقش کشیده است. او به سال ۱۷۸۲ به تماشاخانه کاونت گاردن پیوست و تا سال ۱۷۹۰ در آنجا ماند و سرانجام در ۱۷۹۹ از بازیگری دست کشید.



Above → Stage Directions  
Absurd, Theatre of the →  
Theatre of the Absurd

Accessi آجسی

گروهی از بازیگران کم‌دیا دل‌آرته که برای اولین بار در سال ۱۵۹۰ از ایشان نام برده شد. ده سال بعد آنان تحت رهبری پییر ماریاچینی و ترستانو مارتینلی (آ) بازیگر سرشناس تیب هارلکن قرار گرفتند و با او سفری به فرانسه رفتند. از بازیگران این گروه باید به دروسیانو برادر مارتینلی،

فلامینیو اسکالا و احتمالاً دایانا نام برد. آنان در سفر بعدی خود به فرانسه در سال ۱۶۰۸ از همراهی هارلکن خود بی‌بهره بودند، اما دربار فرانسه و ماری‌مدیچی ستایشهای بسیاری از آنان به عمل آوردند. کمی بعد گروه بازیگران چچینی به گروه آندرینی پیوست، اما نزاع مستمر میان همسران چچینی و آندرینی سبب شد که دو گروه از هم جدا شوند. از فعالیتهای بعدی چچینی اطلاع چندانی در دست نیست. سیلویو فیوریلو (آ)، اولین کسی که در نمایشهای کم‌دیا دل-آرته در تیپ کاپیتان ماتاموروس ظاهر شد. در سالهای ۱۶۲۱ و ۱۶۲۲ با این گروه همکاری می‌کرد.

آسیوس، لوسیوس (حدود ۱۷۰-۸۶ قبل از میلاد)  
Accius, Lucius

نمایشنامه‌نویس و آخرین نویسنده مهم تراژدیهای رومی. نمایشنامه‌های او، که بیش از چهل‌تای آن باقی‌مانده، نمایشهای پرآب و رنگ و ملودرام‌اند و در آنها کوششی مستمر برای نیل به ارائه صناعات ادبی به چشم می‌آید. او دوست داشت موقعیتهای مختلف را تا سرحد امکان بکاود، که از ویژگیهای خاص تراژدی رومی در دوران نزول آن است، پیش از آنکه تحولی دیگر به‌کلی میان این تراژدیها و تئاتر فاصله بیندازد. با این همه، نمایشنامه‌های او برخلاف آثار سنکا (آ) به نیت به‌صحنه بردن نوشته شده بودند و آسیوس از این همت برخوردار بود که با امکان عرضه نمایشها، آنها را بنویسد و پیراسته کند. گرچه شاید برخی از آثار او برداشتهای غاری از لطف و ظرافت نسخه‌های اصل یونانی‌شان باشد، اما تکنیک و ظرافت به‌کار رفته در آنها بسیار والاتر از نمایشنامه‌های صرفاً ادبی سالهای آخر شکوه امپراتوری روم است.

آچرچ، جاننت (۱۸۶۲-۱۹۱۶)

Achurc, Janet

بازیگر انگلیسی، همسر چارلز چارینگتن بازیگر، که اول بار در سال ۱۸۸۲ در تماشاخانه المپیک در نمایشی ظاهر شد. او از اولین بازیگران انگلیسی بود که در نمایشنامه‌های ایبسن بازی کرد و در خانه عروسک که به سال ۱۸۸۹ در تئاتر ناولتی اجرا شد، ایفای نقش نورا به‌عهده داشت. او در سال ۱۸۹۶ نمایشنامه *ایولف کوچک* را در تئاتر آونیو به صحنه برد و خود در نقش ریتا ظاهر شد. در آن نمایش خانم پاتریک کمبل (آ) در نقش رتویاف و الیزابت رابینز (آ) در نقش آستا بازی می‌کردند. او در ضمن در نمایشنامه *تامزد اثر برناردشاو* در نقش قهرمان زن اثر و در نمایشنامه *ارتداد سروان براسپاند* در نقش لیدی سیسلی وینفلیت (که هر دو در سال ۱۹۰۰ در تماشاخانه استرند به روی صحنه آمد) بازی می‌کرد. برناردشاو او را «تنها بازیگر تراژدی صاحب نبوغ ما» نامید و تفسیرهای تحسین‌انگیزی در مورد بازی او در کتاب *تماشاخانه‌های ما در قرن نوزدهم* برناردشاو در دسترس است. جاننت آچرچ در سال ۱۹۱۲ از کار در تئاتر کناره گرفت.

آکرمن، کنراد ارنست (۱۷۱۲-۱۷۷۱)

Ackermann, Konrad Ernst

بازیگر آلمانی که حدود سال ۱۷۴۲ به گروه بازیگران سیار شوغن (آ) پیوست و بیشتر در نمایشنامه‌های کم‌دی ظاهر می‌شد و بازی او در نقش سرگرد فن‌تلهایم در نمایشنامه *مینافن بارنهم* نوشته لسینگ نمایشنامه‌نویس آلمانی، با تحسین و ستایش روبرو شد. آکرمن بازیگری خوش‌سیما، اما عصبی و تندمزاج بود و خیلی زود از شوغن جدا شد و گروه نمایشی خود را بنا نهاد و سوفیا شرویدر (آ) را

به‌عنوان بازیگر اول زن با خود همراه برد و پس از مرگ همسر سوفیا، با او ازدواج کرد. آن دو به سفر دور اروپا رفتند و سپس بازیگرانی چون اکهاف (آ) و ف.ل. شرویدر (آ) پسر سوفیا هم به آن دو پیوستند و آنها به سال ۱۷۶۷ اولین تماشاخانه ملی آلمان را در هامبورگ افتتاح کردند. اما این اقدام، که منبع الهام لسینگ (آ) در نوشتن *تئاتر هامبورگی* بود که سنگ بنای نقد معاصر تئاتر به‌حساب می‌آید، به‌خاطر خصومت میان اکهاف و شرویدر ناکام ماند و هردوی ایشان گروه آکرمن را رها کردند، البته شرویدر چند صباحی پیش از مرگ آکرمن بازگشت و رهبری گروه را به‌دست گرفت. دختران آکرمن، دوروتا (۱۷۵۲-۱۸۲۱) و شارپوت (۱۷۵۷-۱۷۷۴) در نمایشهایی که او به صحنه می‌برد، نقشهای اساسی ایفا می‌کردند و بازی دوروتا در نقش کنتس اورسینا در نمایشنامه *امیلیا گالوتی* (در نمایشنامه‌ای به همین نام نوشته لسینگ) سخت با تحسین روبرو شد. شارپوت در همین نمایش و درحالی که فقط چهارده سال داشت در نقش امیلیا گالوتی بازی کرده دوروتا بعد از ازدواج در سال ۱۷۷۸ از کار بازیگری کنار کشید، ولی شارپوت در سن هفده‌سالگی دست به خودکشی زد و می‌گویند علت خودکشی او، برخورد خشونت بار شرویدر و فشار عصبی ناشی از بازی در نقش اول نمایشنامه‌های مختلف بوده است.

(ادامه دارد)

